



## ویلیام والتن

نوشته آلن جفرسن

خانم والتن باخشونت گفت: «ما والتن میوه فروش نداریم، کار ما موسیقی است» و کوشی را محکم سر جایش گذاشت. هیچ چیز بیش از این نمی توانست شخص را متقاعد کند که تنها حاکم خانواده والتن موسیقی است و همه چیز بخاطر آرامشی که ضروری کار آهنکسازی است فدا می شود.

والتن محیط انگلیس را برای کار خویش نامساعد یافته و اکنون هفت سال ونیم است که با همسرش در جزیره ایشیا Ischia در خلیج ناپل عزت گزیده است. جایی که می تواند آثارش را به نشستی از نور آفتاب بیاراید و از مزاحمت های زندگی امروزی انگلیس در امان باشد.

ویلیام والتن در جزیره ایشیا در برابر محیط خارج به دو زره مجهز است،



زیرا که خود او نیز در واقع جزیره‌ایست. انگشت‌شمارند کسانی که توانسته باشند به محیط مطبوع و مقدس کوئته خانه این نجیب‌زاده لانکاستری راه یابند. وحتى اندک‌اند کسانی که بتوانند، بمعنای واقعی کلمه مدعی دوستی با او باشند. و این برای والتن جای هیچ ملامتی نیست. با اشاعه تمدن، در مردم یعنی مردم عادی، شوق بیشتر با هم گرد آمدن و نزدیک‌تر بهم زیستن، روی با افزایش می‌نهد، خانه‌ها و خانواده‌ها کوچک‌تر می‌شوند و خلائق انبوه‌تر و خوی و اندیشه و رفتار انسان‌ها ناچار در مسیرهایی تنگ و شبیه به هم گرفتار می‌آید. مردم افسرده و افسرده‌تر می‌شوند و تنها آفرینندگان و هنرمندان، نویسندگان و آهنک‌سازانند - شاید نمایشنامه - نویسان و معماران را از این شمار باید برون گذاشت - که آن مایه نیرو را دارند که در برابر همسانی و هم‌رنگی پایداری و رزند و در سطحی مافوق آن جایگزینند. آنکاه ما در محضر مصفاشان و در هوای روشن و پاکیزه خانه‌شان از ایشان می‌خواهیم - و بلا به می‌خواهیم - تا رمزی را از آنچه که گاهگاه از آن دنیای منزله برای ما نیز قابل حصول است، بکشایند.

براستی ویلیام والتن را میتوان در شمار افراد ممتاز اجتماع آورد و امتیاز او همه زائیده نیروی فکر و سخت‌کوشی است.

سر ویلیام ترنر والتن که در سال ۱۹۵۱ بیاس خدماتش به دنیای موسیقی نشان شایستگی گرفت، در مارس ۱۹۰۲ در «الدهام، لانس» چشم بجهان گشود. پدربزرگش چارلز آلکساندر والتن در سنین کودکی شوق موسیقی را در او دامن زد تا آنجا که ویلیام به دسته کرکترال مسیحی آکسفورد پیوست. آوازخوانی در رشته کرمی تواند برای کسی که می‌رود تا در آینده آهنک‌سازی شود، زمینه سودمندی باشد. ویلیام والتن در ۱۶ سالگی به دریافت دیپلم *Mus. Bac* نائل آمد و در این راه از محضر استادانی چون سر هیو آلن و دکتر لی بهره برگرفت. اگر والتن امروز بعضی از آثار نخستینش را نفی میکند و از خود نمیداند، نموداری از صراحت اوست و دقتی که در همه کارهایش بروز میدهد. اما ابتدا باید بطریق اجمال یک بررسی از آثار مفصل والتن که در طول یک دوران ۴۷ ساله آهنک‌سازی آفریده شده‌اند بعمل آورد.

در آثار بسیاری از آهنک‌سازان می‌توان بر حسب دوره‌های گونه‌گون تقسیم‌بندی‌هایی قائل شد، اما درباره والتن چنین امری امکان‌پذیر نیست. در اعتقاد او اثری بمرحله اتمام رسیده است که بر آن اندیشه‌ای عمیق صرف شده باشد. و درخشش امضای وی را نیز در زیر آن بتوان دید. والتن در خویش انرژی عصبی بیکرانی ذخیره دارد که ممکن نیست بتوان



درسیمای او به وجود آن پی برد . و شاید سبب همین باشد که سوزانا همسر پر نشاط و سبك روح آرژانتینی او که والتن بسال ۱۹۴۸ در آرژانتین پیدایش کرده است . برای زندگی او شريك دلپذیری شده است .

سوزانا تجسمی از موسیقی والتن است و موسیقی دان سالها پیش از آنکه او را دیده باشد ، شخصیتش را در قالب آثار خویش ریخته است . برای آنکه آگاهی بیشتری نسبت به دامنه وسیع موسیقی والتن نصیب افتد و سیرتطور آثارش نيك تر فهم شود در زیر فهرستی از کهن ترین ساخته های او مانند لیتانی ( که در ۱۹۱۷ انتشار یافت ) تا نو ترین کارهایش مثل ، « انتمی » که روی يك شعر تازه او و - اچ - اودن دردست ساختن دارد آورده می شود :

- ۱۹۱۷ يك لیتانی برای صداهای درهم آمیخته و نا همراه  
۱۹۱۸ بادها - آواز - شعر از سوین برن  
۱۹۱۸ - ۱۹ کوارتت پیانو ( برنده جایزه کارنگی )  
۱۹۲۰ تریتنها - ترانه - شعر از ویلیام دروموند  
۱۹۲۰ چوپان شیفته حال - متن از کریستوفر مارلو  
۱۹۲۱ اورتور پداگوژیک ( تعلیمی ) دکتر سینتکس  
۱۹۲۲ فاساد ( اجرای نخستین آن بطور خصوصی صورت گرفت )  
۱۹۲۳ کوارتت زهی  
۱۹۲۴ کمدهای با کولیک ( روستائی ) آوازی یا آوازهای انتشار نیافته  
۱۹۲۶ فاساد ، ( تجدید نظر شده با اجرای همگانی )  
۱۹۲۶ کمدی اورتور پرسموت یونیت  
۱۹۲۶ سیستا ، قطعه برای ارکستر  
۱۹۲۸ سنفونیا کنسرتان برای پیانو وارکستر  
۱۹۲۹ ویولا کنسرتو  
۱۹۳۱ شادمانی برای جشن ( کارول انگلیسی )  
۱۹۳۱ فاساد - سویت های بالت ، قسمت يك دو  
۱۹۳۱ کانتات برای میهمانی بلشازار  
۱۹۳۲ سه آواز برای سوپرانو  
۱۹۳۵ سنفونی اول - ( نخستین اجرای کامل )  
۱۹۳۵ بالت برای فیلم « هرگز ازمن مگریز »  
موسیقی برای فیلم « آنطور که بخواهی » مشتمل بر ترانه  
۱۹۳۶ « زیر درخت جنگل سبز »

- ۱۹۳۷ مارش تاجگذاری
- ۱۹۳۷ کانتات بافتخار شهر لندن
- ۱۹۳۸ آنتم «مرا چون مهری بر قلب خود بگذار»
- ۱۹۳۹ کنسرتو ویلن در سی مینور
- ۱۹۳۹ موسیقی برای فیلم «زندگی مسروقی»
- ۱۹۴۰ دوئت برای کودکان - پیانو چهاردستی
- ۱۹۴۰ اورتور کمدی اسکاپینو
- ۱۹۴۰ ارکستراسیون از باخ، برای باله «باکرگان خردمند»  
موسیقی برای کودکان - دوئت برای کودکان - مخصوص
- ۱۹۴۱ ارکستر کوچک
- ۱۹۴۱ موسیقی برای فیلم میجر باربارا (گابریل پاسکال)
- ۱۹۴۲ موسیقی برای فیلم «زیر پوست»
- ۱۹۴۲ موسیقی متن برای «نمایشنامه مکبث» (بکارگردانی جیلگود)
- ۱۹۴۲ موسیقی برای فیلم «مرد پیشکام» عازم فرانسه شد
- ۱۹۴۲ موسیقی برای فیلم «نخستین کس از میان تعدادی انگشت شمار»  
(لسلی هوارد)
- ۱۹۴۲ موسیقی متن برای نمایشنامه رادیوئی «گریستوف کلمب»
- ۱۹۴۲ موسیقی برای فیلم «آیا روز خوش گذشت»
- ۱۹۴۳ باله «جستجو»
- ۱۹۴۴ موسیقی برای فیلم هانری پنجم (لارنس اولیویه)
- ۱۹۴۷ کوارتت زهی در لا مینور *گروه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*
- ۱۹۴۷ موسیقی برای فیلم عاملت *موسسه عالی علوم انسانی*
- ۱۹۴۹ موت «موسیقی توأم با شعر» بگجا میرود؟
- ۱۹۴۹ سونات ویلن
- ۱۹۵۱ دو قطعه برای ویلن و پیانو «کانزونتتا و اسکرتزو»
- ۱۹۵۳ دو تم برای دعای تاجگذاری
- ۱۹۵۴ اپرا «ترویلوس و کره سیدا»
- ۱۹۵۵ موسیقی برای فیلم ریچارد سوم (لارنس اولیویه)
- ۱۹۵۶ کنسرتو سلو برای «پیاتی گورسکی»
- ۱۹۵۶ اورتور فستیوال زوهانسبورگ
- ۱۹۵۷ پارتیتا برای ارکستر



- سنفونی شماره ۲ ۱۹۶۰  
 آنون گرفتار عشق - شش آواز برای تنور و گیتار ۱۹۶۰  
 کلوریا ۱۹۶۰  
 کارول «چقدر شادمانی؟» ۱۹۶۱  
 کنسرتو ویولا تجدید نظر شده ۱۹۶۲

یک آواز برای مجلس لرد شهردار (هفت قسمت برای

- سوپرانو و پیانو) ۱۹۶۲  
 واریاسیونهای روی تم هیندمیت ۱۹۶۳  
 آنتم روی شعر و - اچ - اودن در دست تصنیف

عرض من از آوردن این فهرست، همچنانکه پیش گفتم تقسیم آثار والتن بر حسب زمان تصنیف آنها نیست بلکه نظر من بیشتر به چهار اثر اوست که در حیات آهنگسازی اش مرزهای مشخصی بشمار میروند.

والتن آهنگساز چابک دستی نیست. زیرا، روی هر اثر تازه دقتی وسواس آمیز بخرج میدهد و تازه بیش از مدتی که صرف ساختن یک آهنگ میکند، به تصحیح و تذهیب آن وقت می گمارد.

احساسات او در این باب، هنگامیکه برای «ترویلوس و کرسیدا» در شرف اتمام بود درخور تذکار است. «کریستوفر هاسال» لیبرتیست آثار او (که مرگش بسال ۱۹۵۳ برای والتن ضایعه بزرگی بود) بتازگی نمایشنامه ای برای اپرای «ادینبورگ» ۱۹۵۲ نوشته بود. و بدنبال کسی می گشت که نقش نخستین آنرا ایفا کند. او یک روز به والتن خبر داد هنرپیشه ای که در جستجویش بوده یافته است.

والتن پرسید، «می توانی اسمش را برایم بگوئی؟»  
 هاسال پاسخ داد: «بریتن».

والتن شکفت زده گفت «آه نه، فکر نمی کنم او بازیگری هم بداند». دور از شوخی، این گونه ارتباط های حرفه ای میان آهنگسازان درخور تحسین است.

در ۱۹۵۳ والتن و بریتن باتفاق الدهام، تیبت، برکلی، سیرل، هریک به تصنیف واریاسیونی روی **Sellenger's Round** دست نهادند. که حاصل کار چیز مضحك و خنده انگیزی شده بود. والتن بسال ۱۹۶۰ «شش آواز» خود را تصنیف کرد که بیاری پیتربرز و جولیان بریم به مرحله اجرا رسید.

چهار اثر بزرگی که در بالا از آنها یاد شد، از اینقرارند:

(۱) فاساد

(۲) کنسرتو ویولا

(۳) میهمانی بلشازار

(۴) سنفونی اول .

فاساد - اساس و عصاره این فاساد و نخستین اجراهای آن را سرآزبرت<sup>۱</sup> سیتول ، بزبان طنز و مزاح در چهارمین قسمت شرح حال خویش تحت عنوان «خنده در اطاق مجاور» آورده است خواندن این نوشته نه فقط بخاطر خود آن بلکه از آن سبب که مارا با چهره جوان و شاید اندکی غیر واقعی والتن در سالهای بیست (منظور سالهای مابین ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ است) آشنا می کند ، توصیه می کنیم .

نخستین اجرای خصوصی فاساد را [ در شلسی ] در محضر انجمنی از موسیقیدانان و هنرمندان از اجراهای امروزی آن بصورت باله ، يك فاصله زمانی چهل ساله جدا میکند . از یاد آوردن این نکته که فاساد چند صدبار تا کنون از رادیوها و تلویزیونها شنیده شده و جقدر آن را در صحنه مدارس ، کلاسهای رقص و تئاترها اجرا کرده و از این پس نیز جقدر ممکن است در سرتاسر دنیای غرب ، نواخته و اجرا شود ، بوضوح می پیوندد که این اثر در شمار پرارج ترین تصانیف والتن قرار دارد . بعلاوه فاساد یکی از آثار است که بایان ایدیومهای جاز سالهای بیست در قالب اصطلاحات يك تکنیک خاص ارکستری سنت شکنی بزرگی کرد . فاساد تا کنون در فرمهای گوناگون نوشته شده و با اجرا درآمده است . که از جمله ، « آوازهایی برای سوپرانو » و « تانگو - پاسادوبل » می توان نام برد . « ایدیت سیتول » نیز برای بعضی آوازهای آن شعر سروده است .

دوران آهنگسازی والتن در واقع تاریخ انگلیس در این دوران از خصوصیت عجیبی برخوردار است و این همان دورانی است که والتن و دوستان او «سیتول» ها « جوانی پرشور و شور » خود را در آن گذرانیده اند . با وجود اینکه در آن سالها میدان برای شیفتگان هنر باز بود و سعی می شد تا بطریق ظاهر پسندی از آهنگسازان جوان تشویق و حمایت شود ، اما در واقع کمتر کمک ارزشمندی در اختیار آنان نهاده می شد . والتن تا آن حد سخت کوش و کاری بود که بتواند از شر و شور و حرکت جوانیش سودی برگیرد . و ارکستراسیون ماهرانه فاساد ، نمودار باارزشی از این سخت کوشی و وجود استعداد شکوفانی است که از او به ظهور رسید . نیروی درخشان ابداع و هوشمندی و قوت استنباط مصنف در هر عبارت و در هر قسمت اثر احساس می شود .

---

۱ - برادر « ایدیت سیتول » شاعره توانای انگلیس که خود نیز در جهان شعر و ادب آوازه ای بلند دارد .



تا کنون اثری نظیر فاساد ، چه قبل و چه بعد از آن ، چه از قلم خود والتن و چه دیگران، نتر اویده است . ویژگیهای نایاب فاساد چیز است که آن را بی نظیر و بی مانند کرده است .

دومین آهنگ بزرگ والتن و نخستین اثر او که باشیوه ای جدی پرداخته شده کنسرتو ویولا است . آهنگ موصوف در فاصله ۲۹ - ۱۹۲۸ یعنی هنگامیکه این ساز ، از تنگنای فراموشی سر بر کشید ، يك موقعیت مشخص و ممتاز احراز کرد . و این مقصود حاصل نیامد مگر در اثر مساعی « لیونل تریس » و « پل - هیندمیت » که از ویولانوازان طراز اول زمان خود بشمار میرفتند . از بعد « سنفونیا کنسرتان » موزار ، دیگر کسی ویولا را برای تک نوازی برنگزیده بود و والتن با کنسرتو ممتاز خود که از بهترین آثار است که با استفاده از ویولا ساخته شده این ساز را بعنوان یکی از ارجمندترین آلات زهی به اهل نظر شناساند .

کنسرتوی موصوف از نخستین اجرای آن بنوازندگی هیندمیت و رهبری « والتن » در « کوپننهاگ » تا کنون پیوسته ستایش موسیقی دانان را برانگیخته است . جای افسوس است که این اجرای شگفت انگیز ضبط نشده باقی مانده و اکنون به نوار یا صفحه ای از آن دسترسی نیست . اما سه اجرای دیگر در فواصل زمانی مختلف از این کنسرتو صورت پذیرفته و اکنون يك ضبط جدید و پیراسته از آن انتشار یافته است .

والتن با کنسرتو ویولای خود دنیای موسیقی را تحت تأثیر قرارداد . عمق اندیشه و شور انگیزی بیانش مردم را گرفت ، تا جائیکه بدو امید روشن موسیقی انگلیس لقب دادند .

کنستانت لمبرت ، آهنگساز ، رهبر ، نقاد ، نویسنده ، خطیب توانا و پرورنده بالت های « سدلرز ولز » درباره کنسرتو ویولا بسال ۱۹۳۴ در یکی از مجله های موسیقی نوشت :

« این اثر یکی از اندیشمندانه ترین و صمیمانه ترین کارهای سالیان اخیر است . گذشتن چنین سخنی بر زبان و قلم « لمبرت » که در همان هنگام کتاب معروفش را تحت عنوان « انحطاط موسیقی » می نوشت ، خود نشان راستینی از ارزش و اعتبار کنسرتو ویولای والتن است .

اما کمتر آهنگی مانند اثر بزرگ بعدی او کانتات « میهمانی بل شازار » با گوش ها و زبانهای مختلف آشنا شده است . حتی امروز نیز شنونده صاحب نظر از رقت ، اضطراب آن دچار شگفتی می شود . شعر این کانتات را آذربرت سیتول



با الهام از تورات سروده بود.

این نخستین کوشش والتن در به نظم کشیدن و هماهنگ کردن عناصر کُرال و ارکسترال بود و در این رهگذر سخت به «مس ریکوئیم» برلیوز عنایت داشت. «میهمانی بلشازار» از پیشگویی اشعیای نبی در باره روزگار محنت و سرگردانی بنی اسرائیل، از ویرانی بابل و بلاهای دیگری که بر سر آن قوم آمد و تحقق یافتن پیشگویی، سخن می گوید.

از همان ابتدا، آوای مرموز و مرمین شنونده را جذب می کند و ذهن او را برای برخورد پایک سلسله حوادث ناگوار آماده می سازد.

«میهمانی بلشازار» از همان نخستین اجرا که سال ۱۹۳۱ با رهبری «مالکولم سارجنت» در لیدز صورت پذیرفت با پیروزی قرین افتاد و تصویری را که تا آن زمان بر خاطر مردم از «اوراتاریو» نقش بسته بود تغییر داد. دیرزمانی بود تا Gerontius اثر «الکار» تنها نمودار شیوه درست اوراتوریو بشمار می آمد. اما والتن با برگزیدن موضوع اثر خود از کتاب «عهد عتیق» و تکیه و تأکید بیش از حد بر رویدادهای غیر مذهبی بدعت دیگری را بنیاد نهاد. تا آنجا که مقامات مذهبی اجرای «بلشازار» را در کنسرتورها نامناسب و غیرمجاز اعلام کردند. بهر حال والتن با رهانیدن اوراتوریو از یکنواختی و حالت کسالت باری که داشت و ایجاد یک حالت هیجان و گیرندگی در آن، این فرم را از انحصار ارباب کلیسا بیرون آورد و مقبول طبع عامه مردم کرد.

سال ۱۹۳۴ در تاریخ جهان سخت مشخص و شایان اهمیت است، زیرا در این سال بود که هیتلر در آلمان قدرت را بدست گرفت. اما ۱۹۳۴ آغاز یک دوران جدید در موسیقی انگلیس نیز بشمار می رود. در این سال سردمداران موسیقی آن کشور در سی ساله نخستین قرن بیستم مانند الکار هولست، و دیوس همه روی در نقاب خاک کشیدند و با مرگ آنها، یک فصل از تاریخ موسیقی انگلستان ورق خورد. والتن سه موومان سنفونی خویش را مقارن همین احوال نوشت. اینچنانام یکی دیگر از آهنگسازان انگلیسی که سی سال استاد و مراد والتن بود، یعنی «وون ویلیامز» درخور ذکر است. ویلیامز نیز مانند والتن معتقد بود که باید در اندیشه مردم نسبت به موسیقی تکان و تحرکی پدید آورد.

والتن و ویلیامز که در آن روزگار یکی ۳۲ ساله و دیگری ۶۲ ساله بود سنفونی هائی نوشتند که سرآمد همه آثار سال ۱۹۳۹ قرار گرفتند. اما آوای هشدار که از نای آنان برخاست در گوش مردم انگلیس آنچنانکه باید فرو نرفت. والتن مدت سه سال روی سه موومان سنفونی خود کار کرده بود اما در



۱۹۳۴ برای پرداختن به آخرین موومان گرفتار تردید و بی‌تضمینی بود. سرانجام درسامبر همانسال مصمم شد تا اثر ناتمام خود را برسبیل آزمون به اجرا بگذارد. اما بیم واضطراب او هنگام اجرای اثر وصف‌ناپذیر بود. طرز تلقی مردم نسبت به يك کار ناتمام چگونه ممکن بود باشد؛ اما نگرانی و بی‌آرامی او موردی نداشت. زیرا سه موومان سنفونی قبول عام یافت و تحسین مستمعین را برانگیخت. یازده ماه بعد آخرین موومان نیز نوشته آمد و سنفونی کامل برهبری «سرهامیلتون هاردی» و نوازندگی ارکستر بی. بی. سی، اجرا شد.

والتن با اتمام این سنفونی درسال ۱۹۳۵ دوره‌ای را که طی آن در همه انواع موسیقی جز ابراست آزموده بود پشت سر گذاشت و به قلمرو سینما پای نهاد.

نخستین کار سینمایی او در فیلم «هرگز از من مگریز» و دومی در فیلم «آنطور که بخواهی» عرضه شد. اما آنچه‌آنکه انتظار میرفت موفقیتی حاصل نکرد. تا اینکه در فیلم «زندگی مسروقی» والتن سنگ تمام گذاشت و چنان موسیقی پرهیجان و گیرائی آفرید که نام او را زیانزد کرد. و از بعد فیلم «میجر باربارا» که روی اثر معروف برناردشو به‌همین نام ساخته آمد، او را همه‌جا بنام يك مصنف پر قدرت موسیقی سینما شناختند. والتن در خلال جنگ (دوم) برای چند فیلم تبلیغاتی که دیدن آنها برای نظامیان اجباری بود مانند «زیر پوست» و «هنری پنجم» موسیقی ساخت.

نخستین دیدار او با «لارنس اولیویه» بسال ۱۹۴۲ هنگام اجرای نمایشنامه رادیوئی «گریستف کلمب» دست داد. در این نمایشنامه «اولیویه» و «مارگارات راولینگ» بترتیب نقش‌های کلمب و ایزابلا را ایفا کردند. این اولین و آخرین کار رادیوئی والتن بود. اما از آن ببعده همکاری او با اولیویه در فیلمهائی چون «هنری پنجم»، «هملت» و «ریچارد سوم» ادامه یافت. نتیجه آن شد که آواز والتن در جهان سینما پیچید و هر سینمارو صاحب نظری از شناختن او ناگزیر شد. موسیقی والتن در هر فیلم خصیصه دیگری دارد و شاید در «هنری پنجم» باشد که موسیقی او بیش از پیش به خلوص و درخشندگی می‌گراید.

مارش عزای «هملت» نیز که در آغاز و پایان فیلم نواخته می‌شود از آثار پرهیجان و تکان‌دهنده والتن بشمار میرود و حتی از مارشی که «برلیوز» در این زمینه نوشته به مراتب قوی‌تر است. درسال ۱۹۳۹، بعد از مذاکراتی که میان «بوریس اورد» و «کنستانت لمبرت» و «فردریک آشتون» رفت از والتن خواسته شد تا تعدادی از قطعات پراکنده باخ را برای ارکستر تنظیم کند. و او پس از اجابت



این درخواست ، بآله «باکرگان خردمند» را براساس قطعات تنظیمی ساخت .

بالت دیگری که آهنکساز با همکاری آشتن ساخت «جستجو» بود که اقبالی عظیم یافت «ویلیم توسکی» منتخبانی از «جستجو» را در قالب يك سویت به نظم کشیده که گاهگاه آن را از رادیو می توان شنید .

من در موسیقی والتن چند وجه ممتاز تشخیص داده ام که مانند وجوه مختلف يك سنگ گرانبها ما را بخود می کشند و جذب می کنند . و اینها هستند : قطعات تاج گذاری ، شهرلندن ، موسیقی فیلم های هملت ، ریچارد سوم و هنری پنجم - فاساد که يك اثر بین المللی شده است ، پرتسموت یونیت ، اورتورهای اسکاپینو ، موومانهای شیرین و دلانگیز سنفونی اول و اپیزودهای پرمایه بلشازار مانند «آبهای بابل» ، موومانهای نرم و آرام سنفونی دوم و کنسرتو ویلن .

در سال ۱۹۴۹ والتن سرانجام به تصنیف اپرا دست یازید . این اپرا برحسب سفارش B . B . C ساخته آمد و آهنکساز که چنین فرصتی را مغتنم می شمرد «کریستوفر هاسال» را بعنوان لیبرتست خود برگزید . هاسال پس از مدتی مطالعه ، عاقبت «ترویلوس و کرسیدا» را براساس یکی از آثار «چاوسر» برای لیبرتو مناسب تشخیص داد و پس از حصول توافق با آهنکساز به نوشتن آن پرداخت . اپرای مورد بحث دارای شش بازیگر و يك گروه آواز جمعی است که نخستین بار بسال ۱۹۵۳ بخوانندگی شوارتسکف در نقش «کرسیدا» در کاونت گاردن به صحنه آمد . در این اجرا ، عرضه کننده «سرلارنس اولیویه» و رهبر ، «سر مالکولم سارجنت» بود .

اپرای موصوف یکبار دیگر در دسامبر ۱۹۵۴ ، در کاونت گاردن اجرا شد و این بار «جرج دیواین» و «ماگدا لاسلو» جای لارنس اولیویه و شوارتسکف را گرفتند .

«ترویلوس و کرسیدا» تا به امروز ۲۲ بار در کاونت گاردن و ۹ بار در شهرستانهای انگلیس ، ۴ بار در اسکالای میلان ، ۶ بار در سانفرانسیسکو و لوس آنجلس ، ۴ بار در نیویورک و ۷ بار در «آدلاید» روی صحنه آمده ، در بسیاری از موارد موفق و گاهی اوقات نیز قرین ناکامیابی بوده است .

طی یکی از آخرین اجراهای اپرا در لندن ، هاسال که عازم دیدار والتن بود در راه میان کانتربری و کاونت گاردن به سکت قلبی در گذشت .

ایندو در پی یافتن موضوع برای اپرای دیگری بودند - اپرایی که در آن جنبه های کمیک بر تراژیک میچربید - امید چنانست که والتن طرح هائی را که بدست هاسال تهیه شده بود فرونگذارد و از عهده انجام مهمی که وصول بدان را با دوست



فقید خود شرط کرده بود برآید .

در خلال ندادگانی که برای تاجگذاری ملکه الیزابت دوم دیده می‌شد ،  
والتن را به ساختن يك «Tedeum» و تصنیف يك مارش تاجگذاری دعوت کردند .  
و این نخستین باری بود که يك آهنگساز انگلیسی دو مارش مختلف برای تاجگذاری  
می‌نوشت ، البته در مقام مقایسه بین این دو باید گفت مارش اخیر بر مارش ۱۹۳۷  
«تاج شاهی» و حتی مارش تاجگذاری ادوارد الکار ، رجحان دارد . ملودی اصلی  
در این مارش طور است که حیطة و میدان بیشتری را بروی خواننده می‌گشاید .

«دوئت‌هایی برای کودکان» نیز اثر جالبی است که در دو فرم قابل استماع  
است . این دوئت‌ها را والتن به دختر برادر « سرویلیام وون » که اکنون همسر  
یکی از رهبران «هاله ارکسترا» است تقدیم داشته است . اثر مذکور مشتمل بر ده  
قطعه است که سال پیش بار دیگر تنظیم شده و آهنگساز بر آن نام « موسیقی برای  
کودکان» گذاشته است . «موسیقی برای کودکان» را در کنسرت‌ها کمتر می‌نوازند .  
در ۱۹۵۵ قرار بر این بود که در انجمن فیلارمونیک سلطنتی نواخته شود ولی در  
آخرین حله در میان تأسف عمومی ، سویت «با کرگان خردمند» جایگزین آن شد .  
در ۱۹۳۹ از جانب دکتر اسکات رهبر ارکستر سنفونی شیکاگو برای والتن  
دعوتی رسید که اورتوری مخصوص آن ارکستر تصنیف کند ، او برای اینکار هیچ مایه  
وانگیزه‌ای در ذهن خود نمی‌یافت تا آنکه در نسخه‌ای از **Commedia dell arte**  
به نام «اسکاپینو» برخورد . شخصیت عجیب و خنده‌انگیز او آهنگساز را سخت خوش  
آمد و آن را اساس اورتور خویش قرارداد .

آخرین اورتوری که والتن ساخته است «اورتور فستیوال ژوهانسبورگ»  
است که مناسبت آن جشن هفتادمین سالگرد بنای این شهر بوده است . (پائیز  
۱۹۵۶) این اورتور يك اثر سبك است که از ریتم‌ها و ظنین‌های سازهای افریقائی  
بهره گرفته است .

بسال ۱۹۴۲ والتن قطعه‌ای برای نمایش مکتب که به کارگردانی «جان -  
جیلکود» روی صحنه می‌آمد نوشت . که آهنگ محرك و تندی است ولی متأسفانه  
تاکنون انتشار نیافته است .

هفت سال بعد ارنست ایروینگ نیز که اخیراً در بیشتر آثار والتن مشاور  
او است برای اجرای مکتب در استرا تفورد زادگاه شکسپیر ، قطعه‌ای تصنیف کرد  
اگر پژوهنده‌ای همت کند و مقایسه‌ای میان این دو بعمل آورد کار سودمندی انجام  
داده است .



تا اینجا از کارهای مجلسی والتن بندرت ذکر می‌باشم . جای افسوس است که من تاکنون از موهبت استماع آنها بی‌نصیب بوده‌ام و نیز جای افسوس است که ذهن مردم در این قلمرو وسیع با نام والتن آشنا نیست . کاش می‌دانستیم که کوارتت پیانو (۱۹۱۸) کوارتت زهی (۱۹۴۷) و سونات و دو قطعه پیانو - ویولن اگر دوباره بمرحله اجرا درمی‌آمدند با چگونه استقبال می‌شدند و از این رهگذر معیار اطمینان بخشی برای ارزیابی کارهای مجلسی والتن بدست می‌آوردیم . قدر مسلم آنکه آثار مذکور بعد از تصنیف ، چندان اقبالی نیافتند ، بهمین سبب والتن دلسرد شد ، نه اجازه انتشارشان را داد و نه دیگر بساختن آثار مشابهی دست یازید .

برای نمونه « کوارتت زهی » که والتن آن را برای شرکت در « جامعه بین‌المللی موسیقی معاصر » به سالزبورگ برد ، در سال ۱۹۲۳ اجرا نشده بازگشت . زیرا داوران آن را بیش از حد طولانی تشخیص دادند و نواختن آن را فقط در انتهای برنامه‌ای که به آثار استادانی چون راول اختصاص یافته بود مناسب دانستند . آرتور بلیس آهنگساز دیگر انگلیسی نیز که از نظر شیوه و ظرفیت کار هم‌تراز والتن است در جامعه سالزبورگ شرکت داشت . نکته جالب اینکه والتن که در واقع حدی میان بلیس و بریتن بشمار میرود ، از اولی یازده سال کوچکتر و از دومی یازده سال بزرگتر است . و این سه تن درخشان‌ترین چهره‌های موسیقی امروز انگلیس هستند .

بلیس و والتن هم‌دوره کسانی مانند ، باکس ، برنرز ، آیرلند و لمبرت بودند که همه در گذشته‌اند . اجتماع سال ۱۹۲۳ آنها در تاریخ موسیقی معاصر انگلستان بمنزله نقطه عطفی بود . والتن سونات پیانو - ویلن خود را سال ۱۹۴۹ به یهودی منوهین و لوئیس کنتن و همسران ایشان تقدیم داشت . زمان ساخته شدن این اثر با تصنیف موسیقی فیلم « هملت » مقارن بود .



بهر حال ناقدان موسیقی انگلستان تا هنگامیکه صفحات گرامافون از سنفونی دوم والتن ببازار نیامد به تجدیدنظر در آنچه که راجع به نخستین اجراهای آثار موسیقی کشورشان ابراز کرده بودند نپرداختند و من معتقدم که بیش از آنان امروز حس می‌کنند ، که يك تجدید ارزیابی کلی در آراء و اندیشه‌های گذشته نهایت ضرورت را دارد .

شک نیست که طرز تلقی مردم نسبت به موسیقی از زمان تصنیف « ریچارد سوم » تا با امروز ، با آثار بزرگ و ارزشمند دیگری که در این خلال آفریده شده ،



سخت دستخوش دگرگونی گشته است .  
فراغت خاطر و آفتاب زندگی بخش مدیترانه ، سازنده عاصی و پرشور  
« میهمانی بلشازار » و کسی را که در سنفونی اول خویش سرشار از میل جنگ و  
ستیز بود ، بصورت مردی ملایم و آرام در آورده است و این آرامش را از آخرین  
ساخته‌های او استنباط می‌توان کرد .  
اما سخت‌کوشی و التّن هنوز بکاستن نگرانیده است ، کسی چه میداند ؟  
شاید پس از « انتمی » که روی یکی از اشعار او دن دردست تصنیف دارد ، به آفریدن  
اپرای دیگری همت گمارد .

ترجمه اردشیر لطفعلیان



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی